

متن سخنرانی افتتاحیه جناب آقای دکتر احمد صدر حاج سید جوادی در مراسم

پنجمین سالگرد درگذشت دکتر سبحانی - حسینیه ارشاد ۱۳۸۶/۱/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

جان فدای قدم نادره مردانی باد

که کم و بیش نگردند به هر بیش و کمی

قبل از هر چیز لازم می دانم ، از طرف خودم ، دبیر کل نهضت آزادی ایران و ستاد برگزاری مراسم سالگرد دکتر سبحانی از تشریف فرمایی حضار محترم خواهران گرامی و برادران عزیز برای بزرگداشت خاطره زندگی و حیات یکی از نامداران تاریخ این سرزمین تشکر و قدردانی نمایم . گرد هم آئی و اجتماع بی شائبه شما در این مکان شریف ، نشانه صفا و پاکی اعتقادات و تفکرات اجتماعی و ارزش والای خدمات شادروان دکتر یدالله سبحانی به جامعه غمزده ایرانی است .

آری حیات و زندگانی مردان تاریخ و طرز تفکرات و اعتقادات این گونه چهره های دلپذیر و محبوب جوامع بشری که ما آنها را اولیاءالله می گوئیم و در همه اجتماعات وجود دارند پیوسته مورد تقدیر و گرامیداشت جامعه خود قرار گرفته و رفتار و گفتار آنها همیشه برای مردم خود سرمشق زندگی و الگوی اجتماعی بوده است .

عزیزانی مانند دکتر سبحانی ، مهندس بازرگان و آیت الله طالقانی از چنین الگوها و اسوه ها هستند. در کنار آنها بودیم ، رفتارهایشان را می دیدیم و سعی داشتیم که همانند آنها در مقابل آن همه صدمات و لطمات و ناملایمات که تا آخرین روزهای عمر پر برکتشان برای آنها ایجاد کرده بودند مثل کوه ثابت و تزلزل ناپذیر بایستیم .

می دیدیم که چگونه دغدغه ملت و مملکت و دین و دانش جامعه را در دل داشتند و رنج و ناراحتی اکثریت جامعه ایرانی و منافع و مصالح ملی مملکت آن چنان موجب خلجان شدید در اندیشه و افکار

آنها شده بود که قیام در برابر قدرت های ستمگر ضد ملی را وظیفه و رسالت راهبردی حیات خود می دانستند و به رغم همه ی تهدیدها و خطرات همچنان متحمل این همه بار سنگین و بردبار و نمونه ایستادگی و مقاومت در مقابل زورگویان و دنیاطلبان محسوب می شدند. این بزرگواران به رهروان راه حق درس بی اعتنایی به مال و منال و مقام و منصب بی ارزش دنیوی را می دادند و هزینه راه مستقیمی را که در پیش گرفته بودند به احسن وجه و با تحمل مدهای مدید زندانی و تبعید پرداختند.

در جریان انقلاب نیز وظائف انقلابی خود را به بهترین صورت انجام داده و کمترین چشم داشتی به منزلت های بعد از انقلاب خود نداشته و از مردم نیز طلب کاری نکردند . جز راه مستقیم خدمت به جامعه و حفظ مصالح و منافع ملی طریق دیگری نپیمودند و همواره سرمشق روش و منش عمومی و خصوصی دوستان جوان خود بوده و همیشه ایجاد اتفاق و اتحاد ملی و اجتماعی را در مقابل راه خصمانه و اختلاف افکنانه دشمنان توصیه می کردند.

آنان ، در واقع تنها الگوهایی در مبارزه علیه ظلم و ستم نبودند ، بلکه در عین حال معلمان اخلاق سیاسی هم بودند. کم نبوده و نیستند سیاستمدارانی در این مرز و بوم که سیاست ورزی را عین فریب ، دروغگویی ، تهمت زدن و فریبکاری می دانند. همچنین کم نیستند خیل کسانی که سیاست را فرزند نامشروعی می دانند که پدر و مادر آن نامشخص است و سلامت زیستن را در دوری گزیدن از آن جستجو می کنند.

اما مسلم آن است که این هر دو دیدگاه که یکی به افراط گراییده شده و دیگری به تفریط ، هیچکدام راه گشای مشکلات دنیای امروز جوامع بشری نبوده و نیستند. الگویی که دیدگاه اول ارایه می نماید، جهانی می سازد بدون اخلاق که در آن کسب قدرت و حفظ آن به هر قیمت مشروعیت دارد. رسیدن به هدف ، استفاده از هر وسیله ای را مشروع می سازد و واژه ای بنام حقوق بشر فاقد معنا و مفهوم می گردد.

الگوی دیدگاه دوم نیز بر اساس انسانی‌ارایه می‌گردد که تمایلی به سوار شدن بر کشتی سیاست ندارد و سیاست‌ورزی را به طالبان آن وا می‌نهد. اما الگوی مطلوب، سیاستمدارانی هستند که سیاست را تنها بر پایه اصول اخلاقی بکار می‌بندند و اخلاق را تنها در راه سیاست به کار می‌گیرند. قطعا می‌توان از پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های الگوی سوم نام برد که از یکسو رسالت پیامبری خود را، به کمال رساندن کرامت‌های اخلاقی معرفی می‌نماید و از سوی دیگر زمام امور را در اولین جامعه اسلامی بر عهده می‌گیرد. روزی زره جنگ بر تن میکند و در مقابل دشمنان بی‌مهابا به مقابله بر می‌خیزد و روز دیگر به موعظه در میان امت خویش می‌پردازد. روزی به عدالت به داوری می‌نشیند و روز دیگر به حکمت حکم می‌راند و نمونه‌ای متعالی می‌شود از جمع میان اخلاق و سیاست. در سرزمین ما نیز بوده‌اند کسانی که در عین سیاست‌ورزی، پای از دایره اخلاقیات بیرون ننهاده‌اند و سیاست را جز تبلور اخلاق در حوزه اجتماع ندانستند و نشان دادند که می‌توان سیاست‌مداری خدمتگزار ملت بود، اما ماکیاول نبود.

قائم مقام فراهانی، امیرکبیر و مصدق از زمره کسانی بودند که چنین شیوه‌ای را پیش گرفتند و در عین نامردمی‌ها و نامهربانی‌ها که بر آنان رفت، از این شیوه پسنیده پا پس نکشیدند و چراغی شدند فرا راه آنانی که از پی ایشان پای در حوزه سیاست و خدمت می‌نهادند. به این گذشتگان پر افتخار، نام بزرگانی همچون **مرحوم مهندس بازرگان و مرحوم دکتر سحابی** را نیز باید افزود. سحابی در کنار بازرگان، پیش از انقلاب و در آن هنگام که دارای اعتبار علمی والایی بود، حاضر نشد اخلاق انزواطلبانه را پیشه سازد و چشم بر ظلم و جور پیرامون خود ببندد. در همان ایام کم نبودند کسانی که ترجیح دادند مقام علمی خود را با سیاست آلوده نکنند و به همین مقدار که با قافله سیاستمداران آلوده همراه نشوند، قناعت کردند. اما شادروانان سحابی و بازرگان، به این حداقل اکتفا نکردند و وظیفه خود را نه فقط عدم همراهی با قافله ظلم، که مقابله با آن دانستند.

سطح پایبندی آنان به اخلاقیات بیش از آن بود که بتوانند چشم بر آنچه در پیرامون شان میگذشت بیندند و در میان دوزخ فراخ مردم ، بهشت کوچکی در خلوت سرای خود بنا کنند. این بود که لباس زندان را بر ردای استادی دانشگاه ترجیح دادند و بخشی از عمر خود را در زندان نظام شاهی گذراندند. پس از پیروزی انقلاب نیز با وجود آنکه خود از بانیان آن محسوب می شدند و در مصدر امور قرار داشتند و کافی بود تا مانند بسیاری دیگر از سیاسیون آن زمان ، چشم بسته و فرمان بردار باشند تا قدر ببینند و بر صدر بنشینند ، چنین نکردند و ردای حکومت را از تن خارج ساختند و ترجیح دادند که بجای همراهی با آنچه که از نگاه آنان جز تضییع حقوق مردم و پایمال شدن منافع ملی در پی نداشت ، در کنار مردم بمانند و هزینه مخالفت با سیاست ها و عملکردهای نادرست حکومت را بپردازند. اما اهمیت و ارزش دکتر سبحانی و همراهان بزرگوارش ، تنها در استمرار مبارزه با ظلم و ستم و نابرابری ، استبداد و اختناق و سلطه بیگانه نبود بلکه ، و شاید مهمتر از آن ، تشخیص ضرورت مبارزه گروهی و جمعی و بنیانگذاری نهضت آزادی ایران به عنوان یک حزب و گروه سیاسی الگو و نمونه بود. بودند کسانی که با ستم مبارزه می کردند ، اما تک سوار ، بودند. نه به ضرورت کار دسته جمعی پی برده یا معتقد بودند و نه پیش شرط ها و پیش نیازهای آنرا می پذیرفتند. فعالیت سیاسی فردی ، علی الاصول آسان تر و راحت تر از کار حزبی و گروهی است . شادروانان سبحانی و بازرگان و طالقانی ، مبارزه جمعی و گروهی و حزبی را برای توسعه ملی ضروری می دانستند و به پیش نیازهای آن نیز تن در دادند. و در نظم سازمانی و رعایت مناسبات حزبی و تشکیلاتی الگو و نمونه برای جوان تر ها بودند. نهضت آزادی ایران ، کلمه طیبه و باقی الصالحات این بزرگواران است ، که به رغم همه سرکوب ها و نامالیقات هم چنان در راه سربلندی ایران عزیز و خدمت به دین ، سرافراز ایستاده است . برای آنانکه رفته اند رحمت واسعه پروردگار ، و برای ادامه دهندگان راه آنان ، یآوری حق و پایمردی را از خداوند طلب می نمائیم .